

امنیت فضای مجازی و دفاع الکترونیکی

جلسه بیست و هشتم
فصل سوم: احکام امنیت فضای مجازی
۹۵/۱۰/۲

دسته اول: ربع دینار قول مشهور

دسته دوم: خمس دینار از مرحوم صدوق قول به خمس دینار نقل شده است.

برخی از متأخرین قائل به خمس دینار

دسته سوم ثلث دینار: دینار کامل: و عمانی قائل به دینار کامل

تقدیر به درهم: همچنین برخی روایات نیز دو یا سه یا پنج یا ده درهم را تعیین کرده‌اند.

جمع بین روایات:

1- قول صاحب جواهر: تقدم روايات ربع دينار

صاحب جواهر معتقد است که روایات ثلث دینار را باید طرح کرد چون کسی به آن عمل نکرده. ضمن این که محتمل است به دلیل اختلاف در قیمت دینار و مانند آن باشد و روایات ربع یا خمس مقدم بر روایات ثلث دینار است چون با اطلاق آیه سازگار است چون باید به قدر متیقن تقييد زد.

ل... رجحان المعارض عليه من وجوه، منها الاعتضاد بإطلاق السارق كتابا و سنة المقتصر في تقييده على المتيقن و هو الأقل من الربع أو الخمس كما عرفت. او سپس روایات ربع دینار را بر روایات خمس دینار مقدم می‌دارد به دلیل اجماع منقول از خلاف و استبصار و غنية و سرائر و كنز العرفان (مقداد سیوری م. 826) و شهرت گسترده بین اصحاب در فتوا به ربع دینار.

او همچنین روایات دال بر خمس دینار یا دو درهم را بر تقيه یا اختلاف در قیمت دینار یا نظر مصلحتی امام یا مانند آن حمل می‌کند و اخبار دال بر ربع دینار را به دلیل شهرت گسترده و اجماعات منقول می‌پذیرد.

جمع بین روایات:

1- اشکال بر قول صاحب جواهر: تقدم روایات ربع دینار

اولاً: به همان دلیلی که ایشان روایات ثلث را کنار گذاشته‌اند یعنی به دلیل ناسازگاری با اطلاق آیه می‌توان روایت ربع را نیز کنار گذاشت و تمسک به این دلیل ملازم قول به خمس دینار است چنان که خواهد آمد.

ثانیاً: اختلاف در قیمت دینار و نظر مصلحتی امام علیه السلام به تنهایی مرجح قول به یک دسته از روایات نیست چون صاحبان اقوال دیگر نیز می‌توان به این دو دلیل تمسک کنند و روایات ربع دینار را رد کنند. مگر این که خارج از آن دلیلی باشد بر ترجیح یکی از این روایات پس عمده دلیل ایشان همان شهرت و اجماع منقول است.

ثالثاً: اجماع منقول نزد ما حجت نیست و شهرت روایی نیز اینجا محقق نیست چون روایات خمس و روایات ربع به یک اندازه در کتب روایی ما مشهور و معروفند. شهرت فتوایی اینجا محقق نیست چون مستند فتاوی معلوم است و تمسک به شهرت فتوایی برای کشف روایتی است که اصحاب بدان تمسک نکرده‌اند در حالی که مستند تمامی فتاوی اختلافی در اینجا موجود است. شهرت عملی اصحاب نیز باعث جبران ضعف سند است که اینجا بحث بر سر تعارض روایات صحیح است.

جمع بين روايات:

2- قول محقق خوئی (م. 1413) تقدم روايات خمس

ایشان نیز روایات ثلث دینار را به دلیل این که مخالف با قول اصحاب است و معارض با سایر روایات بوده و مخالف با ظاهر آیه قران است رد کرده و احتمال می‌دهد که تقیه بوده چون برخی عامه معتقد به سه درهم هستند و ثلث دینار تقریباً معادل سه درهم است.

و سپس روایات خمس دینار را بر روایات ربع دینار مقدم داشته به دلیل این که موافق با ظاهر قران است و موافقت با کتاب قران اولین مرجح از بین مرجحات هنگام تعارض روایات است. ایشان همچنین در مقام تبیین این مطلب نوشته‌اند:

بيان ذلك: أنَّ مقتضى الإطلاق في الآية المباركة وجوب القطع في السرقة مطلقاً، قليلاً كان المسروق أم كثيراً، و لكنّا علمنا من الخارج أنّه لا قطع في أقلّ من خمس، فترفع اليد عن إطلاق الآية بهذا المقدار، و أمّا التخصيص الزائد فلم يثبت، لمعارضة ما دلّ على ذلك بالروايات الدالة على اعتبار الخمس، فتطرح من ناحية مخالفتها لظاهر الكتاب.

فالنتيجة: أنَّ القول باعتبار الخمس هو الأظهر.

جمع بین روایات:

2- اشکال بر قول محقق خویی

اولاً: تقیید آیه به خمس یا به ربع دینار به یک اندازه مخالف با آیه است چون هر دو اطلاق آیه را مقید به مفهومی می‌کند که در اطلاق آیه مذکور نیست و بین خمس و ربع از نظر مفهومی تفاوتی وجود ندارد و هر دو نسبتشان با آیه عموم و خصوص مطلق است. و کم یا زیاد بودن مقدار موجب تقیید بیشتر نمی‌شود تا بگوییم روایات خمس که مقدار کمتری دارند مقدمند. چون تقیید اطلاق امری مفهومی است نه مصداقی یا مقداری. بنابر این هر دو روایت به یک نسبت مخالف یا موافق با مفاد اطلاق آیه هستند. این اشکال نیازمند بررسی بیشتری است.

ثانیاً: محقق خوانساری قائل است که این آیه در صدد بیان شرائط و قیود بسیاری که در حکم حد سرقت وجود دارد نیست بلکه در صدد بیان اصل حکم است مثل حکم اقیموا الصلوة که در صدد بیان اصل تشریع حکم نماز است و ناظر به دلالت لفظ بر صحیح یا اعم و قیود دیگر نماز نیست.

جمع بین روایات:

3- قول مقدار سیوری حلی (م. 826): تقدم روايات ربع دينار به دليل اختلاف اسعار

مقداد سیوری حلی اختلاف در روایات را بر اختلاف اسعار حمل کرده است و قائل به قول مشهور شده است.

(و نصاب القطع ربع دينار) هذا قول أكثر علمائنا، و قال الحسن دينار فصاعدا، و قال ابن الجنيد خمس دينار، و روی درهمين. و الفتوى على قول الأكثر، و تحمل الرواية على خلافه على اختلاف أسعار الفضة من الذهب.

همچنین فاضل هندی (م. 1137) با اختیار قول مشهور احتمال داده که روایات ثلث دينار و نیز خمس دينار بر تقيه یا بر اختلاف دنیانیر حمل شود.

جمع بين روايات:

3- قول مقدار سيورى حلى (م. 826): تقدم روايات ربع دينار به دليل اختلاف اسعار

همچنين فاضل اردبيلي (م. 1438) قائل به اختلاف اسعار شده است:

الذي يقوى في النظر، هو حمل الاختلاف الموجود في الطوائف المذكورة من الروايات على اختلاف الدراهم و الدنانير بحسب الوزن، و اختلاف القيمة السوقية بين الذهب و الفضة من حيث نسبة أحدهما إلى الآخر و نسبتهما إلى سائر الأمتعة. و هذا أمر يتفق كثيراً بالنسبة إلى النقود، و له قانون خاص اقتصادي؛ فكلما كان النقد في أيدي الناس موفوراً و الأمتعة قليلة، تكون النقود حينئذٍ أرخص قيمة من الأمتعة، و كلما كان الأمر بالعكس ينعكس الأمر؛ و كذلك لو كان الذهب موفوراً بالنسبة إلى الفضة، يكون الدينار أرخص، و لو انعكس الأمر انعكست النتيجة. و هذا أمر واضح محسوس حتى في زماننا هذا، و الحال أنّ النقود هي ورقية لا ذهبية و لا فضية؛ و في العهود القديمة كان الأمر كذلك، و على ذلك يحمل قول الصادق عليه السلام: «بلغ الدينار ما بلغ»، و ليس له معنى غير ذلك، و له من التاريخ خير شاهد. و الحاصل أنّ الدينار و الدرهم لم يكن ثابتاً وزناً، و لا خالصاً نقاوة، و لا متفقاً خلطاً و سعراً، و عليه يمكن حمل اختلاف الأخبار على هذه الجهة؛

جمع بين روايات:

3- قول مقدار سيوري حلي (م. 826): تقدم روايات ربع دينار به دليل اختلاف اسعار

همچنين فاضل اردبيلي (م. 1438) قائل به اختلاف اسعار شده است:

و إن أردت أن تعرف المزيد، فعليك بكتاب «النقود الإسلامية». ثم إنه صادف عصر الباقر عليه السلام زمن بني أمية، و كان عصر فَوْضَى (هرج و مرج) و اختلافات و خصومات داخلية و لم يكن عند الحكومة آنذاك نقدية كافية، فالذهب كان قليلاً، و كان الدينار أغلى. و لكن في عصر الصادق عليه السلام كانت الحكومة أقوى نسبة، و تمتلك سلطة سياسية و اقتصادية، حيث كانت الثروات تجلب إليها و الذهب يكثر عندها. و على هذا فليس للتقية و غيرها دخل فيما ذكر من الاختلاف، بل يحتمل قريباً أن يكون منشؤه الاختلاف في الأسعار في ذلك الزمان. و كيف كان، فمن مجموع ما مرّ يرجّح أن يقال: إنّ المعيار في الأنصبة، هو النقد الذهبي، أعني: الدينار، و أنّ المعتبر في النصاب، هو ربه، بلغ الدينار ما بلغ، نظراً إلى الشهرة الفتوائية الكثيرة، و كذلك الشهرة الروائية، مؤيداً بالأصل، و الاحتياط في الدماء، و الدرء بالشبهة و بناء الحدود على التخفيف.

والحمد لله رب العالمين